

پروژه جدید حامیان رسانه‌ای سرمربی تیم ملی

تاریخ سازی با تساوی بلژیک و مصر!



هر بار که تیم ملی در رسیدن به اهدافش ناکام می‌ماند، پروژه‌های تازه برای تظهِیر نتایج رقم می‌خورد که اخیراً درباره تساوی های تیم ملی در مرحله گروهی بارها از این دست ابتکارها را مشاهده کردیم اما ماجرا به همینجا ختم نشده است.

این بار نوبت به تاریخ سازی با نتایج بلژیک و مصر مقابل ساحل عاج و استرالیا رسیده است. دو تیمی که یکی ساحل عاج را شکست داده و دیگری استرالیا را در ضربات پنالتی کنار زده است. حالا برخی حامیان رسانه‌ای امیر قلعه‌نویی با ذوق‌زدگی این نتایج را به عنوان سندی برای بزرگ جلوه دادن عملکرد تیم ملی ایران در جام جهانی معرفی می‌کنند، درحالی که اساساً این قیاس هیچ ارزش فنی ندارد.

این در واقع همان نقطه‌ای است که فوتبال ایران سال‌هاست گرفتارش شده و آن فرار از واقعیت و پناه بردن به قیاس‌های بی‌پایه اساس است. در حقیقت تلاش می‌شود با ساختن روایت‌هایی که نتایج نامطلوب را توجه می‌کنند. افکار عمومی را منحرف کنند. سؤال بزرگ از حامیان قلعه‌نویی این است که اگر جایگاه کادر فنی تیم ملی در افکار عمومی متزلزل نبود، اگر عملکرد تیم ملی آن قدر قانع‌کننده بود که نیازی به دفاع نداشت، آیا کسی مجبور می‌شد

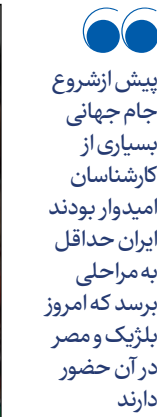
امروز برد بلژیک مقابل ساحل عاج یا پیروزی مصر برابر استرالیا را به عنوان برگ برنده روی میز بگذارند؟! پاسخ روشن است. خیر! هر مسابقه ندمای خودش را دارد. هر بازی شرایط خاص خودش را دارد. زمان برگزاری مسابقه وضعیت بدنی بازیکنان، انگیزه تیم‌ها، فشار روانی، تاکتیک‌ها، مصدومیت‌ها و صدها عامل دیگر نتیجه یک مسابقه را می‌سازند.

فوتبال حرفه‌ای با همین جزئیات معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل است که هیچ تحلیلگری در دنیای فوتبال، نتایج دو مسابقه متفاوت را کنار هم نمی‌گذارد تا برای یکی حکم صادر کند.

اگر قرار باشد با چنین منطق عجیبی فوتبال را تحلیل کنیم، پس یک سؤال ساده هم وجود دارد. اگر مساوی ایران مقابل بلژیک و مصر ارزشمند بوده چون امروز مصر و بلژیک در مرحله حذفی یک پله جلو رفته اند، پس چرا ایران نتوانست نیوزیلند را شکست بدهد.

مگر همین مصر و بلژیک موفق به شکست نیوزیلند نشدند؟! چرا آن نتیجه در این تحلیل‌های سفارشی جایی ندارد.

پاسخ مشخص است، چون آن نتیجه تمام این ساختمان کاغذی را فرو می‌ریزد، چون نشان می‌دهد این قیاس‌ها از اساس بی‌اعتبار هستند. چون ثابت می‌کند هر مسابقه داستان خودش را دارد و نمی‌توان با چسباندن چند نتیجه کنار هم، کارنامه یک تیم را بازنویسی کرد. بدون شک هیچ کس منکر زحمت بازیکنان تیم ملی نیست. هیچ کس نمی‌تواند ماه‌ها تلاش آنها را نادیده بگیرد. بازیکنان جنگیدند،



دویدند، تلاش کردند. اما فوتبال حرفه‌ای با نیت خوب قضاوت نمی‌شود. با نتیجه قضاوت می‌شود. تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۸ تیمی از مرحله گروهی صعود نکرد و همین یک جمله کافی است که مقایسه‌ها رنگ ببازد. پیش‌ازشروع جام جهانی بسیاری از کارشناسان امیدوار بودند ایران حداقل به مرحله جام جهانی بلژیک و مصر در آن حضور دارند. این رؤیا دور از دسترس نبود. به همین دلیل هم امکانات گسترده‌ای در اختیار تیم ملی قرار گرفت. لیگ ماه‌ها تعطیل شد. برنامه باشگاه‌ها به هم خورد. اردوهای طولانی برگزار شد. همه چیز در اختیار کادرفنی قرار گرفت تا تیم ملی بهترین شرایط ممکن را داشته باشد.

پیرترین تیم را بشکند که دیدیم در بازی با بلژیک پیرترین ترکیب اتدالی تاریخ جام جهانی به نام ایران ثبت شد. تا وقتی نتایج قابل قبول می‌نمود انتقاد از این تیم پیرو بازیکنان مس شدت نگرفت بخصوص که رامین رضاییان یکی از مسن‌ترین بازیکنان تیم ملی یکی از معدود خوب‌های ما در این جام بود. اما بلافاصله بعد از حذف از تورنمنت و ناگهی تکراری در راه رسیدن به مرحله حذفی دوباره همه روی این مهم متمرکز شدند که این تیم باید پوست‌اندازی کند و حتی برای جام ملت‌های آسیا که قرار است شش ماه دیگر برگزار شود باید تیم ملی جوان‌تر و متفاوت‌تری داشته باشیم.

بدنی این منتظر همه نگاه‌ها به کادر فنی تیم ملی معطوف شد که با توجه به ابقای احتمالی، چنین امر مهمی را در دستور کار خود قرار خواهد داد یا دوباره به باتجربه‌ها اعتماد می‌کند؟

نکته اما همینجاست. همه از کادرفنی و سرمربی تیم ملی می‌خواهند که پروژه پوست‌اندازی را کلید بزنند اما چرا هیچ کس به بازیکنان مسن و آشنای که برخی شان واقعا ناگوارآمد شده‌اند تشریح نمی‌زند که چرا از تیم ملی خداحافظی نمی‌کنید؟ در تمام دنیا رسم براین است که بازیکنان مسن یا نوجوه به توانمندی فنی، شرایط و موقعیت خود در تیم ملی، آمادگی بدنی و

اما خروجی چه بود؟! حذف در مرحله گروهی!

در واقع همینجا است که باید پرسید آن همه هزینه چه شد؟ آن همه امتیاز ویژه چه شد؟ آن همه حمایت چه نتیجه‌ای در برداشت؟ چرا امروز درباره آنها سکوت شده است؟ چرا همان معدود رسانه‌هایی که برای برد بلژیک و مصر تیتیر می‌زند، حاضر نیستند درباره هزینه‌های سنگینی که برای تیم ملی در دشوارترین شرایط کشور انجام شد حرفی بزنند.

در روزهایی که کشور درگیر بحران بود، تیم ملی از بهترین امکانات بهره برد. هزینه‌هایی انجام شد که قابل توجه نبود. اما امروز هیچ کس از هزینه‌هایی که

شده صحبت به میان نمی‌آورد یا آن پاداش‌هایی که برای قلعه‌نویی در نظر گرفته شده که حتی بسیاری در جامعه خوایش را هم نمی‌بینند. مشکل اصلی همین فرهنگ خطرناک توجیه است. فرهنگ فرار از پاسخگویی است. هیچ شکستی، شکست نامیده شود چون اساس حمایت از رفقا است.

اما این نوع حمایت، ضربه بزرگی به فوتبال ایران می‌زند. تیم ملی زمانی پیشرفت می‌کند که اشتباهاتش دیده شود. زمانی رشد می‌کند که عملکرد کادر فنی نقد شود. زمانی جلوی رود که هیچ مربی و مدیری پشت

روایت‌های سفارشی پنهان نشود. بعد از جام جهانی انتظار بود که مربیان تیم ملی و در رأس همه امیرقلعه‌نویی درباره چرایی حذف از مرحله گروهی پاسخگو باشند اما چنین نشد و یک نمایشی از حماسه به پا شد! ایران اما بیش از هر زمان دیگری به صداقت نیاز دارد و همه ارکان در فوتبال از فدراسیون فوتبال گرفته تا سرمربی تیم ملی باید خود را مکلف به پاسخگویی بدانند.

نه اینکه با تحلیل‌های آتکی و با مقایسه‌های کودکانه و با اجرای پروژه‌هایی که از قبل طراحی شده یک ناکامی بزرگ را در بسته‌بندی موفقیت به افکار عمومی بفروشند.

مسائل مربوط به زندگی شخصی شان به بیکاره تصمیم می‌گیرند که از فوتبال ملی خداحافظی کنند. بسیاری از ستاره‌های بزرگ دنیا حتی در ۳۰ یا ۳۲سالگی چنین تصمیم مهمی گرفته‌اند بدون اینکه اجباری روی آنها باشد یا رسانه‌ها فشاری به ایشان آورده باشند. از سوی دیگر کادر فنی تیم ملی و فدراسیون‌هایشان هم از آنها نخواستند که کناره‌گیری کنند بلکه خودشان

با در نظر گرفتن مسائل مهمی که مهمترینش همان آمادگی جسمانی و کمک به تیم ملی است پیران ملی را کنار گذاشته و حتی قید تورنمنت‌های مهمی مثل جام جهانی را زده‌اند. این گروه از بازیکنان حرفه‌ای خوب می‌دانند که رقابت در تورنمنت‌هایی مثل جام جهانی نیاز به آمادگی صددرصد ذهنی و بدنی دارد و اگر قرار به این باشد که در هر دوآیتم بازیکن، کیفیت قطعی را نداشته باشد در روند کار تیمی اختلال ایجاد خواهد کرد و آن وقت است که سابقه ملی و تمام دستاوردهای قبلی اش خراب خواهد شد. متأسفانه در فوتبال ملی ایران چنین چیزی که در امر رویتن در فوتبال دنیا محسوب می‌شود اصلاً مرسوم نیست و بازیکنان دوست دارند تا حد ممکن برای تیم ملی بازی کنند و هرگز کوتاه نمی‌آیند. البته که پای عشق و علاقه به پیران ملی که به میان بیاید طبیعتاً همه پای پیران ملی و مدیریتی که می‌کند که چنانچه

بازیکنی کیفیت و شرایط لازم برای حضور در تورنمنت‌های بزرگ را نداشته خودش کنار برود و دست سرمربی تیم ملی را برای تشکیل تیمی جوان‌تر و متفاوت‌تر باز بگذارد.

طبیعتاً بازیکنان ملی پوش خارجی هم همگی عاشق پیران تیم ملی خودشان هستند و به کشورشان عرق دارند اما نگاه منطقی و حرفه‌ای جا افتاده در آن سطح از فوتبال کاری کرده‌تا حتی چنین تصمیمات سختی را در زمان درست و منطقی با شجاعت بگیرند و بموقع اعلام کنند. حالا بعد از جام جهانی ۲۰۲۶ و ناکامی دوباره تیم ملی در راه صعود به مرحله حذفی از بسیاری از بازیکنان بالای ۳۰ سال تیم ملی انتظار می‌رود خودشان از تیم ملی کناره‌گیری کنند و منتظرلیست‌بعدی نباشند کمابینه اینظوری شأن و اعتبار خودشان را هم حفظ می‌کنند. این اسمش نیست که خالی کردن از مسوولیت در قبال تیم ملی و کشور است نه می‌توان به این بازیکنان انگ بی‌تعصب زد. بسیاری از این بازیکنان چند تورنمنت بزرگ مثل جام جهانی و جام ملت‌های آسیا را تجربه کرده‌اند و حالا راحت می‌توانند چنین تصمیمی بگیرند. شاید هم باید یکی از این نفرات پیشقدم شود و بقیه پشت سر او اعلام کناره‌گیری کنند تا دست سرمربی برای تغییر نسل در تیم ملی باز شود.

رفتار حرفه‌ای که در فوتبال ایران مرسوم نیست

چرا بازیکنان تیم ملی خداحافظی بلد نیستند؟



محمد قراقرزلو / یک ماه قبل از جام جهانی پیش‌بینی کرده بودیم که پیرترین تیم تاریخ ایران در ادوار جام جهانی را خواهیم داشت که مطابق انتظار درست از کار در آمد. همچنین پیش‌بینی کردیم اسکواد ۲۵ با ۲۶ نفره تیم ایران هرچیز دشاننس بود. شما تا چه اندازه با این نظر موافق هستید؟

احتمالاً پیرترین اسکواد جام جهانی ۲۰۲۶ خواهد شد که بعد از پاناما پیرترین بودیم. در عین حال پیش‌بینی کردیم به خاطر احتیاط و محافظه‌کاری کادر فنی تیم ملی قرار گرفته است. اما می‌شد که بهتر هم بشود.

برخی معتقدند تیم ملی در جام جهانی بیش از هر چیز دشاننس بود. شما تا چه اندازه با این نظر موافق هستید؟

هرتیمی فارغ از مسائل فنی، مدیریتی و تدارکاتی، ۲۰درصد هم شانس را در نظر میگیرد و همه جای دنیا طبیعی اما تیم ملی از این بیست درصد، یک درصد هم شانس نیابرد. موقعیت‌های ازیست رفته، پنالتی، گل آفساید و تیردروازه‌هایی که علیه ایران بود همه گواه این موضوع است. علاوه براین، در آن سه بازی که به صعود ما به عنوان تیم سوم گره خورده بود هم شرایط به نفع ما پیش‌ترفت که به سه‌صود عجیب بود. تیم ملی بد نبود اما تاریخ‌سازی آنچهانی هم انجام نشد. اینکه یک تیم در جام جهانی باخت نیابرد خیلی خوب است اما این عدم شکست، اگر منجر به صعود ما می‌شد، خیلی بهتر می‌شد.

می‌شود بزرگ‌ترین اشتباه تیم ملی را تساوی مقابل نیوزیلند دانست؟

بخاطر خطای بلژیک، ۴ماه هیچ فعالیت فوتبالی در ایران وجود نداشت. بازیکنان ما منهای رامین رضاییان که تحت هر شرایطی تمرین انفرادی خود را دنبال می‌کند، ۴ماه‌هی همه چیز را رها کردند.

سؤال و جواب

قائده‌زمانی

خبرنگار

عملکرد تیم ملی در جام جهانی با واکنش‌های متفاوتی همراه بوده است. عده‌ای نتایج را نامیدکننده می‌دانند و گروهی معتقدند برای قضاوت باید شرایطی مثل تعطیلی طولانی لیگ، وضعیت اردوها، مسائل تدارکاتی و حتی بدشانسی‌های تیم ملی را هم در نظر گرفت. بهتاش فریبا پیشکسوت فوتبال ایران، در این گفت‌وگو از رویای مختلف درباره عملکرد تیم ملی، تصمیمات کادر فنی، نقش بازیکنان باتجربه و آینده نیکمت تیم ملی صحبت کرده است.

در روزهای اخیر عملکرد تیم ملی با دوره‌های گذشته مقایسه می‌شود. عملکرد شاگردان قلعه‌نویی در این جام را چطور ارزیابی می‌کنید؟ اگر بنا به مقایسه عملکرد تیم ملی با دوره‌های گذشته باشد، باید شرایط و اردوهای تیم ملی را هم در نظر بگیریم. آیا زمانی که کپروش حضور داشت، اردوها، اسکان و حتی اخذ ویزای تیم ملی اینگونه بود؟ اگر قرار است مترومعیاری برای تیمی گذاشته شود

روایات

روایات خط جام جهانی

بازگشت به آمریکا

سرمربی کره فراری شد

هونگ میونگ بو، سرمربی مستعفی کره جنوبی بعد از کسب نتایج ضعیف با اسکورت پلیس به کشورش برگشت اما تهدید علیه او تمامی نداشت تا طبق گزارش دروز(شنبه) نشریه مارکا، مربی کره به دلیل فشار مردم مجبور به فرار از کشور به مقصد آمریکا شد. فشار افکار عمومی روی سرمربی کره جنوبی تاحدی بالا بود که حتی تهدید به مرگ شد. کره جنوبی با هدایت میونگ عملکرد ضعیف دو باخت و یک برد را در جام جهانی کسب کرد تا در مرحله گروهی حذف شود.

نشریه مارکا خبر می‌دهد که میونگ برای اینکه در هنگام خروج از کشور شناسایی نشود با ماسک به فرودگاه رفته و از آنجا عازم آمریکا شده است. بنا به گزارش مارکا، تحقیقات درباره عملکرد ضعیف این سرمربی حتی در دستور کار رئیس جمهور کره قرار گرفته است.

هتل انگلیس لو رفت

مکزیک‌ی ها روی اعصاب شاگردان توخل

مکزیک و انگلیس در حالی در مرحله یک هشتم جام جهانی به مصاف هم می‌روند که انگلیس پس از لو رفتن محل اقامتش در هتل مکزیکوسیتی، با استقبال خصمانه‌ای روبه رو شد و هواداران بومی هنگام ورود به هتل آنها را هو کردند. گفته شده بود محل اقامت تیم ملی انگلیس در مکزیکوسیتی به‌صورت محرمانه نگه داشته شده تا از تجمع هواداران جلوگیری شود اما این محل قبل از مسابقه فاش شد.

پس از لو رفتن محل هتل، ده‌ها هوادار مکزیک مقابل آن تجمع کردند و با شعارهای «مکزیکو-مکزیکو» و سوت زدن از بازیکنان انگلیس استقبال کردند. سان هم در این یاره نوشت: به‌ندبال این اتفاق، اطراف هتل تحت تدابیر شدید امنیتی قرار گرفت؛ موانع فلزی، نیروهای ضدشورش و پلیس برای جلوگیری از نزدیک شدن هواداران مستقر شدند. براساس این گزارش، مسئولان انگلیس نگران بودند هواداران مکزیک مانند اتفاقی که پیش از بازی اکوادور رخ داد (اتاش‌بازی، طبل و سرورصد) هواداران مانع استراحت بازیکنان این تیم شوند به همین دلیل حتی برای بازیکنان گوش‌گیر و چشم‌بند نیز در نظر گرفته شده بود. با وجود فضای پر تنش، توماس توخل هنگام ورود اتوبوس تیم به هتل برای هواداران دست تکان داد و بازیکنان بدون درگیری وارد محل اقامت شدند.

ایفانگانتینو خودش را لو داد

طرفداری واضح از آرژانتین

«شب پراسترسی را گذراندم» این پاسخ جانبدارانه رئیس فیفا درباره بازی تیم ملی آرژانتین مقابل کیپ ورد است که آلبی سلسته با نتیجه ۳بر۲ به‌سختی به پیروزی رسید. رئیس فیفا طبق قانون نباید علناً از تیمی جانبداری و طرفداری کند. پیش از این هم رئیس فیفا متهم به جانبداری از لیونل مسسی شده بود چون خطای خشن مسسی در بازی اول جام جهانی با چشمپوشی داور کارت قرمز دریافت نکرد. حالا سایت الگوروه این اظهارات جانبدارانه رئیس فیفا درباره آرژانتین را تخلف جهانی ایفانگانتینو می‌داند. اما رئیس فیفا وقتی فهمید در حال اعتراف بزرگی است و سریعاً تغییر موضع داد و گفت: البته من رئیس فیفا هستم و نباید از تیمی طرفداری کنم.

اتهام جنجالی اکوادور:

تهدید کردند به مکزیک ببازیم!

ماجرا از جایی آغاز شد که ادواردو فیمنان، روزنامه‌نگار آرژانتینی، مدعی شد به وی اطلاع داده‌اند، چندین بازیکن تیم ملی اکوادور پیش از مسابقه از سوی یک کارتل مواد مخدر مکزیک پیام‌های تهدیدآمیزی دریافت کرده‌اند که خانواده‌های آنها را هدف قرار داده بود. این ادعا به سرعت در رسانه‌های اجتماعی دست به دست شد و بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. با این حال، تاکنون هیچ مدرک رسمی برای اثبات این ادعای جنجالی ارائه نشده است. منابع اکوادوری و خبرنگاران نزدیک به تیم ملی این کشور از جمله اسکارس پورتیلا، خبرنگار ورزشی در کیتو، این اخبار را به شدت تکذیب کردند.

اگر این اتهامات واقعیت داشت، جام جهانی با یک رسوایی امنیتی و ورزشی بزرگ مواجه می‌شد، اما در حال حاضر این ادعا صرفاً در حد یک شایعه مجازی باقی مانده است. در واقع، اتفاقات درون زمین توضیح بسیار ساده‌تری برای این مسابقه داشتند. مکزیک که با صدرنشینی در گروه خود و غلبه بر آفریقای جنوبی، کره جنوبی و جمهوری چک با اعتماد به نفس بالا با به این مرحله گذاشته بود، بازی را از همان ابتدا کنترل کرد. اگرچه اکوادور مالکیت توپ و تعداد پاس بیشتری داشت، اما مکزیک در ضربات آخر بسیار مؤثرتر عمل کرد. خولیان کونیتونز در دقیقه ۲۲ و راتول خیمنز در دقیقه ۳۱ گل‌های مکزیک را به ثمر رساندند و خط دفاعی این تیم به خوبی از نتیجه محافظت کرد. با این پیروزی، مکزیک راهی مرحله یک‌هشتم نهایی شد تا در ورزشگاه آستکا به مصاف انگلیس برود و ماجراجویی اکوادور در جام جهانی به پایان رسید. تا زمانی که مدارک مستندی ارائه نشود، عملکرد ضعیف اکوادور تنها یک افت فوتبالی بوده و داستان کارتل‌ها صرفاً یک گمانه‌زنی اینترنتی است.

